

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 9, Autumn 2022, 397-422
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.37589.2319

A Critique of the Epistemology of Contingency Management from a Quranic Perspective

Ali Aqa Safari*

Abdullah Tavakkoli**

Abstract

Contingency management claims that there is nothing as the best universal principle in management. Considering the outcomes of the contingency approach, its epistemology must be analyzed from the perspective of the Quran using the interrogative/ cross-examination [*istintaqi*] method to express the propositions of the revelatory word in rejecting, confirming, correcting, and completing the epistemology of contingency management as we can eliminate its epistemological shortcomings relying on them. The research findings indicate that epistemology in contingency management is based on objective and sensory knowledge and ignores supernatural causes and factors in explaining natural propositions. The Quran, while pointing to the shortcomings of contingency management, considers the subject of knowing God, human-being, nature, and understanding how they are interdependent, and emphasizes that human-being and the environment affect and influence each other visibly and invisibly, and therefore human-being must take his/her advantage using networking tools by combining a horizontal view of the relationship between phenomena and a vertical and longitudinal view and their relationship with their creator. The results indicate that the Quran, in addition to reason and empirical

* Assistant Professor of Quran and Sciences (Orientation in Management), Al-Mustafa International University, Qom, Iran, (Corresponding Author) a.a.safari1364@gmail.com

** Associate Professor, Department of Management, Research Institute of Hawzeh and University, Tehran, Iran, atavakkoli@rihu.ac.ir

Date received: 08-07-2022, Date of acceptance: 03-11-2022



findings, emphasizes that the best methods that lead to greater efficiency cannot be presented without revelation.

Keywords: Holy Quran, Contingency Management, Epistemology, Critique.

نقد معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی از منظر قرآن

علی آقا صفری*

عبدالله توکلی**

چکیده

مدیریت اقتضایی مدعی است که در مدیریت چیزی به نام بهترین اصول جهان‌شمول وجود ندارد. با عنایت به ره‌آوردهای ره‌یافت اقتضایی ضروری است که معرفت‌شناسی آن، از منظر قرآن با بهره‌گیری از روش استنباطی، مورد تحلیل قرار گیرد تا، ضمن بیان گزاره‌های کلام وحی در رد، تأیید، اصلاح، و تکمیل معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی، با تمسک به آن‌ها کاستی‌های معرفتی‌شناسی آن را برطرف کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که معرفت‌شناسی در مدیریت اقتضایی مبتنی بر معرفت عینی و حسی بوده و علل و عوامل فراطبیعی را در تبیین گزاره‌های طبیعی نادیده گرفته است. قرآن، ضمن اشاره به کاستی‌های مدیریت اقتضایی، موضوع معرفت را خدا، انسان، طبیعت، و درک چگونگی وابستگی و پیوستگی آن‌ها دانسته و تأکید می‌کند که انسان و محیط به شکل پیدا و پنهان از هم‌دیگر تأثیر گرفته و در یک‌دیگر اثر می‌گذارند و در نتیجه انسان می‌بایست با بهره‌گیری از ابزار شبکه‌ای از طریق ترکیب نگاه افقی به رابطه پدیده‌ها با هم و نگاه عمودی و طولی و رابطه آن‌ها با خالقشان سهم خود را اخذ کند. نتایج به دست آمده بیان‌گر آن است که قرآن، علاوه بر عقل و یافته‌های تجربی، تأکید دارد که نمی‌توان بدون وحی بهترین روش‌هایی را که به بهره‌وری بیش‌تر منتهی می‌شود ارائه کرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، مدیریت، مدیریت اقتضایی، معرفت‌شناسی، نقد.

* استادیار قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی العالمیه (ص)، قم، ایران (نویسنده مسئول)،
a.a.safari1364@gmail.com

** دانشیار گروه مدیریت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، atavakkoli@rihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲



۱. مقدمه

معرفت‌شناسی (epistemology) علم مشخص‌کننده پایه‌های معرفت و نظریه و آشکارکننده وزن و ارزش فهم است. از آن‌جاکه این دانش مربوط به درک فلسفی ماهیت، منابع، حدود موضوع، و اعتبار معرفت است، در ادراک فراگیر تصویری و تصدیقی نقش محوری دارد. درباره اهمیت آن همین بس که همواره نگاه اندیشمندان را به خود معطوف کرده و نقش تعیین‌کننده در ظهور فلسفه‌های اجتماعی، جریان‌های فکری، مکاتب اجتماعی، ایدئولوژی‌ها، و نهضت‌ها، و پوشش و رویش نحل‌های علمی گوناگونی دارد که در درون جامعه بشری قد برافراشته و هرکدام داعیه‌دار جهان‌بینی، جهان‌شناسی، و جهان‌آرایی منحصر به خود است. اهمیت معرفت‌شناسی در حوزه بینش‌ها و نگرش‌ها از آن جهت روشن و مبرهن است که هرکدام مبتنی بر نوع معرفتی که از پدیده‌ها و واقعیت‌های هستی دارند پایه‌ریزی و ایجاد شده‌اند (مطهری ۱۳۷۸: ۳۳۹-۳۴۱). از این‌رو، گفته‌اند معرفت‌شناسی به ماهیت علم و کیفیت معرفت آن در ابعاد مختلف می‌پردازد و به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی نظیر چگونه می‌توانیم بدانیم، کیفیت و چگونگی دانستن ما چیست، و چه ابزاری برای درک اعتبار و درستی دانش فراهم آمده ما در دسترس است (نوریس ۱۳۸۹: ۱۱)، انسان‌ها چگونه تولید دانش می‌کنند؟، معیارهای تمایز دانش خوب از بد چیست؟، چگونه باید واقعیت را نمایش داد و توصیف کرد؟ (هچ ۱۳۸۹: ۴۳)، و مانند آن است. در نگرش معرفت‌شناسی، پاسخ به این نوع از پرسش‌ها در هر علمی لازم است تا از این طریق ماهیت و درستی و نادرستی معرفت آن روشن شود. در پژوهش حاضر، تلاش بر آن است که معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی (contingency management) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مکاتب مدیریت موردتجزیه و تحلیل قرار گیرد تا از این ره‌گذر، ضمن بیان نقاط قوت مدیریت اقتضایی در مقایسه با مکاتب پیشین، کاستی‌ها و خلأهای آن نیز از منظر کلام وحی مشخص شود. از این‌رو، دغدغه اصلی تحقیق پاسخ‌گویی به این پرسش است که نقد معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی از منظر قرآن چیست؟ و کلام وحی در رد، تأیید، اصلاح، و تکمیل مباحث مربوط به معرفت‌شناسی مکتب یادشده چه گزاره‌هایی را ارائه کرده است که می‌توان با تمسک به آن‌ها خلأ و کاستی‌های معرفتی‌شناسی مدیریت اقتضایی را برطرف کرد، جامعیت و مرجعیت علمی قرآن در حوزه مباحث سازمان و مدیریت، به‌ویژه معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی، را نشان داد؟ نگارندگان، باعنایت‌به طرح پرسش‌های قرآنی مانند: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟!» (زمر: ۶)

نیز با عنایت به واژه‌های وحیانی درباره تمایز بینا و نابینا، تاریکی و روشنی، زندگان و مردگان (فاطر: ۶۳)، و مانند آن، که تأکید بر اهمیت شناسایی و ترغیب به فراگیری دانش و درک ماهیت معرفت، موضوع، منابع، و اعتبار ابزارهای معرفت‌اندوزی دارند، ره‌یافت مدیریت اقتضایی را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند.

۲. پیشینه تحقیق

معرفت‌شناسی در حوزه علوم مختلف از قدمت بسیار طولانی برخوردار بوده و در بازه زمانی به اندازه تاریخ علم مورد عنایت واقع شده و از ابعاد مختلف مورد مطالعه و کنکاش قرار گرفته و در این زمینه آثاری چون «درآمدی موضوعی بر معرفت‌شناسی معاصر» (موزر ۱۳۸۵)، «معرفت‌شناسی» (قلی‌پور ۱۳۸۱)، و «مسئله معرفت» (مطهری ۱۳۷۳)، و «معرفت‌شناسی از نگاه کانت و ملاصدرا»، مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت (گائینی ۱۳۹۰)، نگاهی به معرفت‌شناسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریتی (میرزایی اهرنجانی و سرلک ۱۳۸۴)، انسان در اسلام و مکاتب غرب (حلبی ۱۳۷۴)، پنج گفتار (پورازغدی ۱۳۹۲)، «بررسی گستره معرفت‌شناسی انسان از دیدگاه فلاسفه مکتب ایدئالیسم و استلزامات تربیتی آن»، نشریه پژوهش‌های اسلامی (رستمی نسب ۱۳۸۸)، «پارادایم اسلامی روش‌شناختی علوم انسانی»، نشریه اسلام و علوم اجتماعی، (کافی ۱۳۹۳)، نظریه‌های ساختاری در پارادایم تعلیم و تربیت ساختاری (مرزوقی ۱۳۹۸)، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی (مصباح یزدی ۱۳۹۱)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن (مصباح یزدی ۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (جهان‌بینی توحیدی) (مطهری ۱۳۹۳)، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن (پورفر ۱۳۹۴)، «جایگاه ارزش‌ها در تئوری‌های مدیریت»، (هدایتی ۱۳۸۱)، نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی (وبستر ۱۳۸۴)، و مانند آن را می‌توان از سابقه عام این حوزه علمی دانست که به صورت جسته‌وگریخته به مباحث معرفت‌شناسی به صورت عام پرداخته‌اند. اما مطالعات نشان می‌دهد که با وجود اهمیت معرفت‌شناسی در تئوری سازمان و مدیریت و گذشت دو دهه از ورود این بحث در حوزه مطالعات مدیریت، تاکنون مطالعه مستقلی در مورد معرفت‌شناسی با رویکرد اقتضایی به مدیریت انجام نگرفته است. بنابراین، تحقیق حاضر هم از لحاظ دانشی داده‌های ارزش‌مندی درباره معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی از منابع مدیریت جمع‌آوری و سامان‌مندی کرده و هم از منظر قرآن کریم کار جدید و نویی ارائه کرده است که می‌تواند

بستر مطالعات قرآن کریم با رویکرد مدیریت را هموار کند و غنا و جامعیت این سند راه‌بردی اسلام را تبیین و تشریح کند.

۳. مبانی نظری و تجربی تحقیق

لازم است تصویر روشنی از مبانی نظری و تجربی تحقیق ارائه شود.

۱,۳ معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی دانشی است که به مطالعه فلسفی ماهیت، منابع، قلمرو و حدود، موضوع، و اعتبار معرفت می‌پردازد (موزر ۱۳۸۵: ۱۹) و همچنین اندیشمندان در تعریف آن به نوع خاصی از مهارت، آشناسدن با چیزی یا کسی، و ارائه اطلاعات درباره مسئله و پدیده‌ای تأکید دارند (لرر ۱۳۹۶: ۳۳-۳۴).

بنابراین، معرفت‌شناسی دانشی است که پایه‌های معرفتی، راه درک واقعیت، قلمرو موضوع، و اعتبار منابع را مشخص می‌کند. باعنایت به این تعریف و ویژگی‌های انسان، روشن می‌شود که معرفت‌شناسی یکی از دانش‌های موردعلاقه بشر در همه قرون و اعصار بوده و نقش و آثار ارزنده‌ای در زندگی اجتماعی دارد، زیرا علم مربوط به درک و دریافت حقایق نسبت به خود و دیگران و پدیده‌های ارزش‌مند پیرامون است.

۲,۳ مدیریت اقتضایی

مدیریت اقتضایی مفهوم تکامل یافته مدیریت سیستمی است. در نگرش سیستمی، مدیریت با موضع‌گیری عینی‌گرایی و با معیار عقلانیت ارزیابی می‌شود (هچ ۱۳۸۹: ۹۸). در ره‌یافت اقتضایی، تأکید بر اجتناب از اصول جهان‌شمول و اهتمام بر آن است که واکنش‌های مدیریتی با مسائل و فرصت‌ها و وضعیت‌های گوناگون هماهنگ شود (رضائیان ۱۳۹۲: ۶۹). از این منظر، هر شیوه و روشی وابسته به موقعیت دیده و سنجیده می‌شود (الوانی ۱۳۸۵: ۸؛ رضائیان ۱۳۸۸: ۶۹).

ازاین‌رو، مدیریت اقتضایی توصیه به رفتار و اقدام و بهره‌گیری مطلوب از تکنیک‌های متنوع مدیریتی براساس وضعیت دارد (کریتنر و کینیکی ۱۳۹۰: ۳۷) و می‌توان گفت نگرشی

نقد معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی ... (علی‌آقا صفری و عبدالله توکلی) ۴۰۳

است که عملکرد مدیر را در هر زمان، متناسب با وضعیت و موقعیت و مجموعه شرایط فعالیت‌ها، ارزیابی می‌کند.

۳,۳ معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی

در این بخش، معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی در عرصه موضوع، ابزار، منابع، و اعتبار با مراجعه به دیدگاه صاحب‌نظران اقتضایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱,۳,۳ ماهیت

فهم و درک ماهیت معرفت‌شناسی منوط و وابسته به این است که این مسئله در درون یکی از رویکردهای اثبات‌گرایی، ضداثبات‌گرایی، و ساختارشکن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. رویکرد اثبات‌گرا بر پایه حقیقت و ماهیت رهیافت‌های سستی حاکم بر علوم طبیعی استوار است (بوریل و مورگان ۱۳۸۳: ۱۵).

نگرش حاکم در این بینش آن است که علوم اجتماعی، به دلیل ماهیت نسبی‌ای که دارد، بایست جدا از علوم طبیعی در نظر گرفته شود، زیرا میان علوم اجتماعی و طبیعی از لحاظ ماهوی و جوهری تمایز اساسی وجود دارد (همان: ۱۶). رویکرد ساختارشکن مدعی است که رویکرد ضداثبات‌گرا و تفسیری که عاری از تبارشناسی تاریخی بوده ناقص و ناتمام است و نمی‌توان به آن اتکا و اکتفا کرد (گائینی ۱۳۹۰: ۶۳-۱۱۵).

معرفت‌شناسی در مدیریت اقتضایی ماهیت عینیت‌گرایی دارد و در اردوگاه اثبات‌گرا (positivist) تنها آنچه را قابلیت تجربه حسی و آزمایش دارد علم می‌داند و قابل‌پی‌گیری است (معلمی ۱۳۸۸: ۱۷۳). از این منظر، انسان‌ها و سازمان‌ها موجودیت‌های ملموس و واقعی و قابل مطالعه هستند و امکان تحلیل و تبیین آن‌ها از طریق طبقه‌بندی و اندازه‌گیری علمی و ادراک حسی وجود دارد (هچ ۱۳۸۹: ۴۳؛ گائینی ۱۳۹۰: ۶۳).

با عنایت به این مطالب، ماهیت معرفت‌شناسی در رهیافت اقتضایی با مشخصه ماهیت عینیت‌گرایی، که فراتر از حواس پنج‌گانه نرفته و در محدوده طبیعت خلاصه می‌شود، قابل طرح و بحث است. نگرش اقتضایی به دنبال این است که منفعت عینی را برای کسب حداکثر سود و رفاه هر چه بیش‌تر دنیوی انسان در دستور کار خویش قرار دهد و شعار تجربه‌گرایان را که می‌گویند «هیچ پدیده‌ای در عقل نیست که پیشاپیش در حواس نبوده باشد» محقق سازد (علی‌زاده ۱۳۸۵: ۱۰۸؛ مارتین ۱۳۹۴: ۱۵۲).

۲,۳,۳ موضوع

ره‌یافت اقتضایی تأکید دارد که تعامل سازمان با محیط (سیدجوادین ۱۳۹۰: ج ۲، ۸۴۹) برای ادامه حیات (ایران‌نژاد و ساسان‌گهر ۱۳۹۰: ۹۷) از طریق سازگاری و انطباق و مکانیسم تأمین منابع ورودی و مصرف باز داده‌های خروجی (رضائیان ۱۳۹۲: ۶۳) میسر می‌گردد (نیکواقبال ۱۳۷۸: ۵۲). لارنس و لورش، دو تن از کسانی که دیدگاه اقتضایی را در مدیریت مطرح کرده‌اند، به این باورند که محیط‌های گوناگون الزامات مختلفی را در سازمان‌ها ایجاد می‌کنند (اسکات ۱۳۸۷: ۱۵۲). در این نگرش، تأکید بر آن است که تصمیم‌گیری درست منوط و وابسته به معرفت کامل از محیطی است که سازمان در آن فعالیت می‌کند.

در نتیجه، می‌توان گفت موضوع معرفت در مدیریت اقتضایی محیط و عوامل تأثیرگذار محیطی بر سازمان است. برپایه مطالب ارائه‌شده، روشن شد که نظریه‌پردازان مدیریت اقتضایی سازمان را به‌مثابه مجموعه‌ای از ساختارها، کنش‌ها، و به‌عنوان حوزه تأثیر و تأثر عوامل محیطی مورد مطالعه قرار داده‌اند (میرزایی اهرنجانی و سرلک ۱۳۸۴: ۷۴).

۳,۳,۳ ابزار

مدیریت اقتضایی مکانیسم‌هایی را برای معرفت موضوع در نظر گرفته است که می‌توان از آن به سیستمی و شبکه‌ای تعبیر کرد (همان: ۷۵)، ولی پیروان این مکتب به این باورند که برای معرفت محیط و عوامل تأثیرگذار نمی‌توان به چند متغیر و عامل مستقل یا وابسته بسنده کرد، زیرا معرفت ابزارها برای عملکرد مدیر در هر زمان باید باتوجه به مجموعه شرایط فعالیت وی ارزیابی شود. بنابراین، معرفت و نحوه کاربرد ابزار و فنون در عمل به وضعیت بستگی دارد (رضائیان ۱۳۹۲: ۶۹).

به‌صورت مشخص‌تر، در تئوری آشوب، که از نظریات اقتضایی و حاصل یافته‌های ریاضی‌دانان، ادوار لورنز و جیمز یورک، است اهتمام خاصی درباره ابزار معرفت و بازخورد حاصل از ارزیابی محیط بر سیستم‌های سازمانی شده است. در این نگرش، تأکید بر این است که در رفتار ظاهراً تصادفی پدیده‌های مختلف نیز نوعی نظم ذاتی یافت می‌شود؛ یعنی در هر بی‌نظمی الگویی از نظم وجود دارد و برای معرفت آن بایست توجه داشت که هر سیستم پیچیده زندگی خاصی دارد و از قواعد ویژه پیروی می‌کند. این صاحب‌نظران تصریح دارند که آشفته‌ترین و غیرقابل پیش‌بینی‌ترین پدیده‌ها نیز همواره در محدوده مرزهای معینی حرکت می‌کنند (همان: ۶۸-۶۹). از این منظر، باید به سیستم و کل پیچیده‌ای

متشکل از اجزایی دینامیکی، باتوجه‌به نقش و کاربردی که در کل دارند، نگرینست (حقیقی ۱۳۹۲: ۱۲۳) و این اساسی‌ترین نقد نگرش اقتضایی بر مکاتب پیشین بوده و بر همین مبنا پال و هرسی بلانچارد تصریح و تأکید کرده‌اند که مدیر باید به‌صورت مرتب شیوه و رهبری خود را تغییر دهد (قاسمی ۱۳۹۰: ۴۶۵). بدیهی است که لازمه آن درک درست ابزارها و به‌کارگیری مطلوب آنهاست.

۴,۳,۳ منبع

نظریه‌پردازان مدیریت اقتضایی درباره منبع معرفت سخن خاصی ارائه نکرده‌اند. لکن، می‌توان از یافته‌ها و نظریات آنان فهمید که از این منظر عقل، پدیده‌های عینی، طبیعت، و محیط (میرزایی اهرنجانی ۱۳۸۴: ۷۵-۷۶) محوری‌ترین منابع معرفت‌اند. اساسی‌ترین دلیل برای اثبات مدعا تأمل در یافته‌های مطالعاتی استاگر، برنز، لارنس و لورش، و فیدلر است. اینان، علاوه‌بر عقل و یافته‌های تجربی، پدیده‌های عینی و حسی را از منابع معرفت قرار داده‌اند و تمرکز بر منطقی‌بودن کنش‌ها، باتوجه‌به محیط بیرونی، دارند (الوانی ۱۳۸۵: ۱۹). به‌شکل مشخص‌تر، لارنس و لورش تأکید و تجویزشان این است که در شرایط ثابت چهارچوب کلاسیک مؤثرتر است و در محیط‌ها و شرایط درحال‌تغییر استفاده از طراحی انسانی تأثیر بیش‌تری خواهد داشت (همان). براین‌د مطالب بیان‌شده و یافته‌های مطالعاتی این است که در مدیریت اقتضایی عقل، تجربه، و محیط محوری‌ترین منابع شناخت هستند.

۵,۳,۳ اعتبار

مدیریت اقتضایی درباره معرفت کامل از ماهیت محیطی که سازمان‌ها با آن در ارتباط‌اند و نیز درک پیچیدگی‌های اجزا، مؤلفه‌ها، و اعتبار معرفت و کشف روابط آن‌ها (میرزایی اهرنجانی و سرلک ۱۳۸۴: ۷۶) فراتر از مکاتب پیشین اهتمام نموده است.

بااین‌که شعور متعارف پاره‌ای از این گزاره‌ها را تصدیق و تأیید می‌کند، ولی برخی بر آن خرده گرفته و بدین باورند که مدیریت اقتضایی در حوزه موضوع‌شناسی و بهره‌گیری لازم از ابزارهای مناسب و از منابع مطمئن علمی از معرفت‌شناسی قابل‌اعتبار برخوردار نیست (رضائیان ۱۳۷۶: ۱۰)، زیرا مجموعه‌ای از مفاهیم، اصول، و مشخصات درجهت دستیابی به مکانیسمی برای معرفت علل مسائل پیچیده اجتماعی - سازمانی و یافتن راه‌حل‌های مناسب (صادق‌پور ۱۳۸۵: ۹۴) و مشخص‌کننده این‌که کدام تکنیک و

روش در کدام موقعیت و شرایط معین و زمان معلوم می‌تواند به بهترین وجه به اهداف برساند در این مکتب مشخص نشده است.

در بحث اعتبار معرفت‌شناسی، پرسش اساسی این است که دیدگاه اقتضایی از چه سبک و روش و اصول و قوانینی برای کارآیی و اثربخشی سازمان استفاده می‌کند؟ در پاسخ این پرسش برخی از صاحب‌نظران گفته‌اند ره‌یافت اقتضایی در وضعیت فعلی خود واقعاً چیزی بیش از مجموعه گزاره‌هایی نیست که با بی‌دقتی سازمان یافته‌اند (بوریل ۱۳۸۳: ۲۳۲).

جدول ۱. معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی

معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی		
ردیف	عنوان	یافته‌ها
۱.	ماهیت	ماهیت معرفت مادی و حسی گرا مبتنی بر اثبات‌گرایی عینی‌گرایانه است
۲.	موضوع	موضوع معرفت محیط، پدیده‌ها و عوامل محیطی است
۳.	ابزار	ابزار معرفت شبکه‌ای بوده و صرفاً نگاه افقی به پدیده‌ها دارد
۴.	منبع	منبع معرفت عقل، حس و یافته‌های تجربی، پدیده‌های عینی، عینیت‌های بیرونی است
۵.	اعتبار	اعتبار معرفت، نسبت به مکاتب پیشین معتبر و لکن محدود است

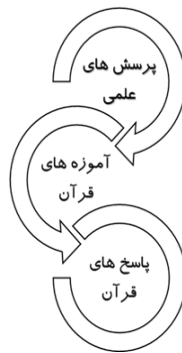
۴. روش تحقیق

واژه «استنطاق» مصدر باب استفعال از ریشه «نطق» به‌معنای «طلب نطق کردن» تبیین و توضیح و سخن‌گفتن با شخصی و فرد ذکر شده است (ابن‌منظور ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۳۰۵؛ فیومی ۱۴۱۴: ج ۲، ۹۱۱؛ طریحی ۱۳۷۵: ج ۵، ۳۲۸).

معنای استنطاق معادل با تفسیر موضوعی گرفته شده است که از منظر شهید صدر مقصود از استنطاق به این معنا آن است که پژوهش‌گر باید توانایی این را داشته باشد که، ضمن بررسی و مطالعه وضعیت جامعه هر عصر و زمانی، مسائل و موضوعات آن را کشف و استخراج کند و پس از آن‌ها را به‌صورت پرسش‌های منظم به ساحت قدسی قرآن کریم عرضه نماید و از آموزه‌های وحیانی پاسخ آن‌ها را دریافت کند (صدر ۱۴۲۴: ۲۸).

«استنطاق» روش تفسیری است که از آن با عنوان «روش تفسیر توحیدی یا موضوعی» یاد کرده و در تأیید روش یادشده به سخن حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) استناد می‌کند که فرمود: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ، فَاسْتَنْطِقُوهُ» (نهج‌البلاغه: خطبه ۲۵۸).

پژوهش پیش رو با روش مطالعه کتاب‌خانه‌ای سامان یافته و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات به این صورت است که نخست درباره مسئله موردنظر سؤال طرح شده، سپس در جهت پاسخ به آن به سراغ مطالعه و تحقیق در منابع دست‌اول از تفاسیر قرآن کریم، کتاب‌های مدیریتی، پایان‌نامه‌ها، مجله‌های علمی، مقالات، و نرم‌افزارها رفته و پس از یادداشت‌برداری و گردآوری داده‌ها اطلاعات به دست آمده با روش استنتاجی شهید صدر به نقد و بررسی معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی از منظر قرآن کریم پرداخته شده است. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از کلیه آیات قرآن کریم. درخصوص معرفت‌شناسی جامعه نمونه با جامعه آمار تطبیق کامل دارد، زیرا سعی شده تا تمامی آیات قرآن، که به موضوع تحقیق مرتبط هستند، مورد بررسی قرار گیرند.



نمودار ۲. فرایند پژوهش با ابزار استنتاجی

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش بررسی و نقد قرآنی معرفت‌شناسی براساس چهارچوبی که در مبانی نظری مطرح شده با کاربرست روش استنتاجی دنبال می‌شود.

۱,۵ نقد قرآنی ماهیت

درباره ماهیت معرفت و درک حقیقت امور در کلام وحی تأکیدات و توصیه‌های شده است؛ از جمله با پرسش استفهام انکاری می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹). به نظر می‌رسد یکی از نکات ظریف آیه، التفات به کمال و منزلت

انسان، براساس درک و معرفت است (فخر رازی ۱۴۲۰: ج ۲۶، ۴۲۸). یافته‌ها نشان می‌دهد معرفت و آگاهی مطرح در این گزاره مربوط به خداوند است (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱۷، ۲۴۳). لیکن با بهره‌گیری از اطلاق می‌توان هر نوع معرفت را از منظر کلام وحی دارای ارزش و اعتبار دانست (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۹، ۳۹۴). افزون‌براین، در آیه دیگر درباره اهمیت معرفت و رفعت مقام آگاهان می‌خوانیم: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله: ۱۱). در آیات دیگر، برای درک تفاوت جایگاه معرفت و تفاوت آن، با ناآگاهی در نزد اهل خرد، از شیوه تشبیه دو مفهوم متضاد (کور و بینا) بهره گرفته است (رعد: ۱۹).

براساس نص صریح کلام وحی (جاثیه: ۲۴)، اعتماد و تکیه بر ظواهر دنیوی و معرفت حسی و مادی معقول، مشروع، و مطلوب نبوده و در بسیاری از موارد گمانه‌زنی‌های جاهلانه و خلاف واقع قلمداد می‌شود. از این رو، مشاهده می‌شود که مفسران در ذیل آیه یادشده تصریح می‌کنند که معرفتی که مبتنی بر اوهام‌گرایی، تخیل پرستی، و گمانه‌زنی (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۹، ۱۱۸) مبتنی باشد نه تنها معرفت محسوب نمی‌شود، بلکه جهالت و نادانی درقبال آن‌چه که می‌گویند است، زیرا نظریه‌هایشان کورکورانه و تقلیدی است (بیضاوی ۱۴۱۸: ج ۵، ۱۰۸).

۲,۵ نقد قرآنی موضوع

بدون تردید معرفت محیط و عوامل تأثیرگذار آن نقش اساسی در رشد و شکوفایی سازمان‌ها دارند. لکن از منظر قرآن، صرف معرفت محیط به‌تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه معرفت محیط و اقتضائات آن باید به معرفت مدبر و آفریننده کلان نظام هستی منتهی گردد (انعام: ۱۰۱-۱۰۲؛ فرقان: ۲؛ غافر: ۶۲).

پیام شفاف آیات شریفه ذکرشده و آیات مشابه دیگر (هم‌چون بقره: ۳۱، ۲۸۲؛ مائده: ۴؛ انبیاء: ۸۰) این است که انسان نباید درحین معرفت پدیده‌ها از معرفت فاعل شناسا و معلمی که به او قدرت معرفت و معرفت داده غافل بماند و باید بداند که کارگردان و مدیر و مدبر اصلی خدای یکتای بی‌همتا است که با رحمان‌بودنش جهان را اداره می‌کند.

برپایه این اصل است که کلام وحی از بشر دعوت کرده است معرفت محیط و اقتضائات آن را زمینه و وسیله معرفت خالق و مدبر نظام هستی قرار دهد (بقره: ۱۶۴).

بنابراین، معرفت نسبت به محیط و متغیرهای محیطی (از قبیل زمان، مکان، تکنولوژی، و ...) موجب معرفت و معرفت خالق و آفریننده آن گردد، چون تعبیر به آیات در فرهنگ قرآن به مفهوم نشان الهی است که می‌توان با آن بر وجود خدا و اوصاف او استدلال کرد (و نسبت به آن معرفت پیدا نمود)، پس هریک از اموری که در این آیه شریفه از آیات الهی به‌شمار آمده دلیل تام و مستقلی برای اثبات خدای سبحان و صفات اوست.

از این رو، کسی که به دنبال معرفت می‌گردد باید از راه معرفت این عوامل به مبدأ علم و قدرت یگانه، که تمامی این «آوازه‌ها از اوست»، (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۱، ۵۵۸) معرفت حاصل کند؛ یعنی از طریق معرفت انواعی از شرایط و عوامل محیطی به وجود خداوند و یگانگی آن پی ببرد (فخر رازی ۱۴۲۰: ج ۴، ۱۵۲؛ ابن‌عاشور بی‌تا: ج ۲، ۷۵).

از این رو، نمی‌توان نقش فاعل را نادیده گرفت، بلکه باید معرفت آن‌ها موجب معرفت بیش‌تر خداوند متعال گردد و این امر با تأمل و تدبر در جهان خلقت و طبیعت، که احاطه بر حیات او داشته و محیط بر زندگی اوست، حسب آیه ذکر شده، امکان‌پذیر است و بشر با این نگاه به مطالعه و معرفت محیط باید روی آورد (فضل‌الله ۱۴۱۹: ج ۳، ۱۴۵).

در اندیشه قرآن کریم کسی که می‌خواهد به معرفت و معرفت کامل برسد باید خدا، انسان، محیط، و پیوند و ارتباط بین این‌ها را به‌خوبی بشناسد، در آن صورت می‌توان مدعی شد که به معرفت مطلوب قرآن کریم رسیده است. از این‌روست که قرآن کریم می‌فرماید: «سُرُّهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ...» (فصلت: ۵۳).

قرآن حکیم در آیه شریفه تصریح دارد که موضوع معرفت از منظر قرآن کریم خداوند متعال (سُرُّهُمْ آيَاتِنَا)، محیط (الْأَفَاقِ)، و انسان (أَنفُسِهِمْ) است. به عبارت دیگر، آنچه که از منظر قرآن کریم به‌عنوان موضوع معرفت قرار گیرد باید با محوریت سه اصل حیاتی (خالق، محیط، انسان) باشد و زمانی معرفت کامل است که انسان رابطه او با هم‌نوعان، با خدا، و با جهان را بشناسد و شکی وجود ندارد که روابط انسانی و مناسبات اجتماعی اوست که دشوارترین رابطه به‌لحاظ معرفتی و سخت‌ترین مناسبات به‌لحاظ عملی است، زیرا انسان وقتی خود را در دریای وسیع و عمیق جامعه می‌بیند و نیازها و انتظارات جامعه را مشاهده می‌کند و نیز رسالت خود را در قبال جامعه بررسی می‌کند، امر صعب بلکه مستصعب و دشوار حیات اجتماعی سالم و پاکیزه را کاملاً احساس می‌کند (جوادی آملی ۱۳۹۱: ۱۸).

۳,۵ نقد قرآنی ابزار

قرآن کریم ابزار معرفت را چشم، گوش، قلب، عقل، و وحی دانسته و در این باره می‌فرماید: «... إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسرا: ۳۶). هم‌چنین، در آیه دیگری نیز می‌فرماید: «وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: ۷۸).

از منظر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم نقدی که به ابزار معرفت مدیریت اقتضایی می‌توان وارد کرد این است که مطالعه شبکه‌ای و اقتضایی این مکتب نیز محدود و منفصل از مبدأ و مقصد اشیاست و این نمی‌تواند به معرفت جامع و کامل منتهی گردد، زیرا قرآن کریم به صراحت اعلام می‌دارد که در معرفت محیط باید در کنار معرفت طولی و عرضی از معرفت عمودی و طولی آن نیز استفاده کرد و نمی‌توان با مطالعه روابط عرضی اشیا با هم از روابط عمودی و طولی آن‌ها با خالق و آفریننده‌شان بی‌نیاز شد.

اصل بهره‌گیری از ابزار شبکه‌ای و اقتضایی برای کسب معرفت به‌نظر امر معقول و مورد تأکید بوده و نیاز است که رابطه اجزا با هم کشف و مورد شناسایی قرار گیرند؛ چون تمام اوضاع جهان مرتبط به هم و مثل حلقه‌های زنجیر به هم بسته است و مثل تاروپود یک پارچه در هم پیوسته و یک وحدت جهانی را تشکیل می‌دهند (امین بی‌تا: ج ۱۰، ۳۲۲). اما نکته دیگری که در این آیات (انعام: ۹۹؛ نحل: ۵-۸) تأکید شده و در مدیریت اقتضایی مغفول مانده مسئله رابطه اجزا با خالقشان است.

کلام وحی با این منطق که نظام منسجم و یک‌پارچه هستی مدبر و کارگردان بی‌ظنیری دارد (انبیاء: ۲۲) تصریح می‌کند در زوایای گوناگون هستی، که برنامه‌ریزی دقیقی در آن حکم فرماست، که آمدورفت روز و شب، چرخش فصول چهارگانه، و گردش منظم و بهت‌انگیز مهر، ماه، و زمین و پیوند و ارتباط انسان با این مجموعه عظیم را کارگردانی و اداره می‌کند، نشان از مدبر دانا و توانای هستی دارد (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۸، ۲۲۰) و این حقیقت را متذکر می‌شود که ساحت قدس آفریدگار هر لحظه به افاضه وجود و تجدد فیض به هر موجود و آفریده‌ای نظام جهان را تأمین می‌کند و بر اثر ارتباط موجودات و تأثیر و تأثر و فعل و انفعال آن‌ها در یک‌دیگر و هم‌چنین علل و اسباب و سائط فیض هستند که پروردگار آن‌ها را برای نظام جهان مسخر کرده است (حسینی همدانی ۱۴۰۴: ج ۱۸، ۳۸۴). بنابراین، کلام وحی تفکر مادی (مبتنی بر اثبات‌گرایی) را، که خود را در حس و تجربه خلاصه کرده، نقد و تصریح می‌کند که تفکر مادی‌گرایی هرگز از راه حواس نمی‌تواند زمام

موجودات را در دست خداوند مشاهده کند و کار خداوند را که هدایت و رهبری به راه درست است دریابد (جوادی آملی ۱۳۸۴ الف: ۳۴۲). قرآن حکیم، افزون‌براین در آیات (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به بقره: ۱۶۴؛ مؤمنون: ۱۲-۱۴؛ نساء: ۱؛ یس: ۳۸-۴۰؛ انفطار: ۶-۸؛ حجرات: ۱۳) دیگری نیز استفاده از ابزار شبکه‌ای و اقتضایی را مورد تأکید قرار داده و فراتر از اندیشه مدیریت اقتضایی تأکید دارد که ابزار معرفت خلاصه در امور مادی و طبیعی نبوده و امور فرامادی و معنوی را نیز در بر می‌گیرد.

۴,۵ نقد قرآنی منبع

با وجود این که در کنار طبیعت و پدیده‌های عینی از عقل و محیط به‌عنوان منبع معرفت در مدیریت اقتضایی بهره گرفته شده است، لکن هنوز اشکال محدودیت و انحصار در امور حسی و مادی بودن پابرجاست و اگر سخنی از عقل گفته می‌شود بیش‌تر عقل ابزاری و عقل منقطع از وحی مراد بوده و طبیعی است که حوزه فهم و درک آن نیز فراتر از جنبه‌های مادی و سودانگاری دنیوی نرفته و صرفاً در چهارچوب نیل به اهداف و آرمان‌های مادی حرکت می‌کند و حال آن که عقل در فرهنگ کلام وحی به‌مثابه چشم دیگری برای آگاه‌شدن نفس به حقایق است و اما در فرهنگ طبیعت‌گرایان عقل به‌منزله عینک و یا سمعک برای چشم و گوش مادی است؛ یعنی عقل هرگز حقیقت‌جدیدی را ادراک نمی‌کند، بلکه همانند ابزار مادی صرفاً وسیله‌ای برای ادراک بهتر امور مادی است، بدون آن که حقیقتی افزون‌بر آن چه از طریق حس تحصیل شده کشف کند (جوادی آملی ۱۳۸۴ الف: ۲۴۰).
از این رو، می‌توان گفت برپایه ره‌آوردهای و حیانی قرآن حکیم منابع معرفت جامع‌تر و بیش‌تر از آن است که صاحب‌نظران اربابان مدیریت اقتضایی مطرح کرده‌اند که در ذیل به برخی از مهم‌ترین منابع معرفت از منظر قرآن کریم اشاره می‌شود.

۱,۴,۵ طبیعت به‌مثابه منبع معرفت

قرآن حکیم یکی از منابع غنی و قوی معرفت و آگاهی را طبیعت و نظام کیهانی معرفی کرده و به پیامبرش دستور می‌دهد که مردم را به سیر و سیاحت و مطالعه به این منبع سرشار از رمز و راز فراخواند. لذا می‌فرماید: «قُلْ انظُرُوا مَا ذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (یونس: ۱۰۱). برابر این آیه شریفه، پیامبر اکرم (ص) مأمور است که مردم را به مطالعه و تفکر در پدیده‌های آسمان‌ها و زمین توصیه کند (هاشمی رفسنجانی و دیگران ۱۳۸۷: ج ۷، ۳۹۶).

به‌اذعان فخر رازی، این دستور دو مطلوب را دنبال می‌کند: یکی این‌که، برای معرفت خداوند متعال هیچ راهی جز تدبیر و تعقل در شواهد نظام هستی نیست و دوم این‌که، دلیل‌ها، مدارک، و شواهد نیز یا در قلمرو آسمان‌هاست یا در عالم زمین. علائم آسمانی حرکات مدارها، بزرگی‌ها، و موقعیت‌های آن‌ها و خورشید، ماه، و سیارات و فواید ویژه هر کدام از آن‌هاست؛ و در مورد شواهد زمینی نیز، ضمن بررسی شرایط و عناصر فوقانی، عوامل و شرایط معدنی، گیاهی، و انسانی هم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد (فخر رازی ۱۴۲۰: ج ۱۷، ۳۰۶). هم‌چنین، در آیه دیگر می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا...» (انعام: ۱۱). صاحب مجمع‌البیان با استناد به این آیه شریفه می‌گوید در هنگام سفر در زمین از چشم ظاهر و باطن خود برای کسب معرفت و معرفت استفاده کنید (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۴، ۴۳۰).

کلام وحی نه تنها به نگاه به زمین و آسمان و سیر در زمین دستور می‌دهد، بلکه به این حقیقت نیز بشر را رهنمون می‌سازد که به کیفیت اشیا و حقایق نهفته در آفرینش آن‌ها نیز توجه کنید. می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً... انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَبِعْه...» (انعام: ۹۹).

آن‌چه در این مطالعه و سیر در آفاق از بشر انتظار می‌رود این است که باورمند شود که جهان طبیعت و نظام ناگسستهی آفرینش و مخلوقات مختلف، گوناگون، رنگارنگ، و متشتم، همه، آیه‌ای از آیات الهی برای معرفت ذات اقدس اوست (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱۰، ۱۲۷). بدون تردید، ستارگان درخشان، مجموعه‌های مختلف آسمانی، که هر یک در مدار مشخصی می‌چرخند، نظام‌واره‌های بزرگ، کهکشان‌های عظیم، و نظام دقیقی که بر تمامی آن‌ها حاکم است، و نیز کره زمین با تمام شگفتی‌ها و اسرارش و این‌همه موجودات زنده متنوع و گوناگون (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۸، ۳۹۳) منبع معرفت متقن و بی‌نظیری برای معرفت هر چه بیش‌تر خدای یکتای بی‌همتاست و بشر را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که طبیعت و دارایی‌های آن باید وسیله و ابزاری باشند برای معرفت کامل‌تر و تام‌تر از او.

براساس این تحلیل، می‌توان گفت آیات یادشده و آیات ناظر بر این مباحث طبیعت را واقع‌نما دانسته و معرفت ناشی از آن را دارایی ارزش نظری و معرفتی تلقی می‌کند؛ چون کارکرد طبیعت این است که عین را آن‌گونه‌که هست به ما نمایان می‌سازد (مطهری ۱۳۷۳: ۶۲) نه آن‌گونه‌که نظریه‌پردازان مدیریت اقتضایی برپایه تفکر اثبات‌گرایی انتظار دارند، زیرا دغدغه اصلی آنان از معرفت طبیعت مبتنی بر این است که بتوانند بر آن تسلط پیدا کنند و از منابع محدود آن بیش‌ترین سود را ببرند.

قرآن کریم با طرح پدیده‌های طبیعت درصدد این است به انسان‌ها تفهیم کند که این کارها را خدا انجام داده است. بنابراین، «تأکید قرآن به معرفت خدا رسیدن از راه معرفت طبیعت است» (مصباح یزدی ۱۳۸۴: ۱۰۳) نه حصر در طبیعت و معرفت طبیعت برای طبیعت و به نظر تمام تلاش و کوشش مدیریت اقتضایی این است که طبیعت را به خوبی بشناسد، برای این که از او نهایت بهره را ببرد. حال آن‌که قرآن کریم می‌فرماید طبیعت را وسیله و ابزاری قرار بدهید تا ضمن استفاده مطلوب از آن خالق و آفریننده او را بهتر بشناسید.

۲،۴،۵ عقل به مثابه منبع معرفت

واژه «عقل» در لغت به مفهوم حبس، ضبط، منع، و امساک به کار رفته است و هنگامی که درباره انسان به کار گرفته می‌شود به معنای کسی است که هوای نفس خود را حبس کرده است (مصطفوی ۱۳۶۸: ج ۸، ۲۳۷). بعضی عقل را نقیض جهل معنا کرده (فراهیدی ۱۴۰۹: ج ۱، ۱۵۹) و در مورد انسانی که به حفظ زبانش همت گمارد هم گفته می‌شود که زبان خویش را عقال نموده (ابن منظور ۱۴۱۴: ج ۹، ۳۲۶) و نیز به مفهوم تدبّر، حسن فهم، ادراک، و انزجار به کار رفته است (مصطفوی ۱۳۶۸: ج ۸، ۲۳۷). البته، آنچه که در همه تعاریف مطرح شده از این واژه وجود دارد همان عقال کردن و دربندکشیدن هوای نفس است تا از این ره‌گذر انسان قدرت تشخیص حق از باطل را پیدا کند و به فهم و درک صحیح از حقایق نائل گردد.

پیام شفاف آیه ۱۵۱ انعام و دیگر آیات مشابه (حجرات: ۴؛ ملک: ۱۰) این است که عقل مانع و رادع نفس از افتادن و گرفتار شدن در دام خودبینی و هوس‌مداری است (طبرسی ۱۴۱۲: ج ۴، ۴۸۵).

در زمینه مفهوم اصطلاحی عقل دیدگاه‌ها متفاوت است؛ برخی عقل در روایات را به معنای عقل نظری، عملی، و جوهری می‌دانند (صدرالدین شیرازی ۱۳۸۳: ج ۱، ۲۲۵) و بعضی آن را به مفهوم عاقبت‌اندیش گرفته‌اند (غزالی بی‌تا: ج ۳، ۱۰۲). با توجه به این که در خصوص درک درست و فهم بهتر معارف این کتاب جامع و جاوید نگاه به برداشت‌های مردمان عصر نزول ضروری است، یعنی به دیگر سخن تبادر و تفاهم عرفی عصر نزول معیار صحیح در مورد معرفت مفاهیم قرآن کریم است (خسروپناه ۱۳۹۰: ۹۶)، عقل یک منبع ادراکی و معرفتی است، اما نه صرفاً منبعی برای فهم و معرفت، بلکه وسیله‌ای که انسان را

به بندگی و عبودیت برساند. به عبارت دیگر، هدف قرآن کریم در پیوند عقل نظری و عقل عملی (جوادی آملی ۱۳۸۸ ب: ۲۸۱) است.

در آیه کریمه ۲۴ روم به نقش و کارکردهای عقل در دیدن نشانه‌های خدا اشاره شده و به صراحت تصریح کرده است که (تنها) اهل تعقل می‌دانند که یک عنایتی به این نظام کیهانی مملو از مصلحت وجود دارد که تجربه حسی به‌تنهایی قادر به درک آن نیست (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱۶، ۲۵۳)، زیرا بدیهی است که هیچ‌گاه بدون بهره‌مندی از قانون عقلی یقین‌آور نبوده (جوادی آملی ۱۳۸۴ الف: ۳۱۵-۳۱۴) و فقط زمینه و بستری است برای این‌که عقل (برای درک درست محسوسات) به تدبر و تفکر (قطب ۱۴۱۲: ج ۵، ۲۷۶۵) دقیق‌تر و عمیق‌تر بپردازد و انسان‌ها را تشویق کند که عقل‌هایشان را در کشف چگونگی تکون محسوسات به کار گیرند تا کمال قدرت و حکمت سازنده آن‌ها برایشان نمایان شود (قمی مشهدی ۱۳۶۸: ج ۱۰، ۱۹۲).

نقش و کارکرد عقل در معرفت‌افزایی و جهل‌زدایی تا آن‌جاست که قرآن حکیم کسانی را که از منبع عقل برای معرفت‌حقایق جهان هستی استفاده نمی‌کنند و از سرگذشت دیگران عبرت نمی‌گیرند به نابینایان قلبی تعبیر کرده و به صراحت تأکید می‌کند کسی که نتواند به صورت مستقل با بهره‌گیری از عقل و یا با متابعت از کسی که متابعت از او منعی ندارد خیر را از شر و نفع را از ضرر بازشناسد نابینای عقلی است (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱۴، ۳۸۸). از این رو، می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا» (حج: ۴۶) و در آیه دیگر چنین افرادی را مستحق آتش جهنم دانسته می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَا يَعْقِلُونَ بِهَا» (اعراف: ۱۷۹).

۳،۴،۵ تاریخ به‌مثابه منبع معرفت

نقش تاریخ در افزایش معرفت و معرفت‌آدمی از چنان اهمیتی برخوردار است که قرآن کریم در حدود سیزده بار به سیر و سیاحت در زمین و بررسی سرگذشت پیشینیان و عواقب کنش‌ها و اقدامات آنان در کیفیت سرنوشت زندگی صالح و یا طالح آن‌ها امر کرده است. قرآن حکیم به صورت قاطع و صریح تاریخ را برای مطالعه عرضه کرده، (مطهری ۱۳۷۳: ۷۸)، علم و آگاهی به سنن و قواعد ناظر به زندگی‌های گذشته از مجرای مطالعه، بررسی، و تحلیل وقایع و حوادث (مطهری ۱۳۸۴: ۷۱) آن را یکی از منابع معرفت محسوب کرده، می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ...» (انعام: ۱۱). هم‌چنین، در سوره فاطر

نقد معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی ... (علی‌آقا صفری و عبدالله توکلی) ۴۱۵

می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا...» (فاطر: ۴۴)، و نیز در سوره نحل می‌فرماید: «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا...» (نحل: ۳۶)، و دیگر آیات مشابه (عنکبوت: ۲۰؛ روم: ۴۲؛ غافر: ۸۲؛ محمد: ۱۰).

مستفاد از آیات ذکر شده و آیات ناظر این است که مطالعه تاریخ یکی از منابع متقن معرفت است و باید برای کسب معرفت از طریق سیر و سیاحت در زمین مورد مطالعه واقع شود. به‌دیگرسخن، مطالعه آثار تاریخی، تحولات زندگی جامعه بشری (مطهری ۱۳۷۳: ۷۸) و تحقیق و بررسی صفحات عینی به‌جامانده از ملت‌ها (جوادی آملی ۱۳۸۹: ج ۲۴، ۴۸۰) از طریق سیر تاریخی - جغرافیایی در زمین (صادقی تهرانی ۱۳۶۵: ج ۹، ۳۴۸) و با چشم و دل دیدن (ابن‌عاشور بی‌تا: ج ۶، ۳۰) حال گذشتگان به‌مثابه منبع دست‌یابی به معرفت و آگاهی موردعنایت کلام وحی است، زیرا این رهنمود آفاق و کرانه‌های اندیشه انسان را گسترش داده و او را بر نمونه‌ها، مثال‌ها، تاریخ زندگی‌ها، و اوضاع و احوالی که در آن‌ها درس عبرت است مطلع می‌گرداند (قطب ۱۴۱۲: ج ۵، ۲۶۶۳).

بنابراین، توجه به عاقبت کارشان از راه مساکن مخروبه و سرزمین‌های خالی برای آنان که عبرت گرفته و بصیرت دارند کافی است (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۱۵، ۳۸۷؛ آلوسی ۱۴۱۵: ج ۱۰، ۲۲۷) تا به معرفت کافی درمورد عاقبت انکار پیام‌آوران الهی برسند و هوشیار شوند و بدانند که هر آنچه زمینه گرفتاری، بدبختی، گسستگی، و درنهایت اضمحلال گذشتگان را رقم زده است عاقبت حیات مردمان در حال و آینده را نیز متأثر خواهد ساخت.

خلاصه آن‌که یکی دیگر از منابع معرفت و کسب معرفت تاریخ و مطالعه حوادث گذشتگان است که در آیات یاد شده و آیه «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا...» (نمل: ۶۹) و دیگر آیات مشابه (عنکبوت: ۲۰؛ روم: ۴۲؛ غافر: ۸۲؛ محمد: ۱۰) موردتوجه و تأکید قرار گرفته و به‌عنوان یک منبع مفید و ارزش‌مند معرفی شده است.

۴,۴,۵ وحی به‌مثابه منبع معرفت

برپایه گزاره‌های قرآن مجید، هرآنچه که از سوی وحی نازل شده است بی‌نقص و عیب و کامل و جامع است (نحل: ۸۹؛ انعام: ۵۹؛ فصلت: ۴۲). ره‌آورد وحی این است که «با ورود وحی به عرصه فرهنگ انسانیت، بشر از انحطاط و سقوط رها، و درهای شکوه و تعالی به روی او باز، و خرده‌ها بارور، و دوران رشد و شکوفایی خردورزی آغاز، و عقلانیت بالید و بارور شد» (جوادی آملی ۱۳۸۴ ب: ۱۱۸).

باتوجه به این اهمیت مشاهده می‌شود که وحی به‌عنوان یک منبع غنی و قوی کسب دانش و معرفت در اختیار تمام انبیای الهی بوده و آنان از این نعمت سنگین الهی بهره‌مند بودند: قرآن در این باره می‌فرماید: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ...» (نساء: ۱۶۳).

براساس این آیه شریفه، فهمیده می‌شود که وحی و نبوت یک جریان و سنت خلل‌ناپذیر در تاریخ انسان بوده است (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۱۱) که ره‌آورد‌های آن به‌واسطه انبیای الهی در اختیار بشر قرار داده شده است و گزاره‌ها و اعتبار آن نیز به‌عنوان یک منبع معرفت از چنان اتقان و استحکامی برخوردار است که قرآن حکیم درباره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴). به‌گفته ابن‌عاشور، این توصیف خود کمال است (ابن‌عاشور بی‌تا: ج ۲۷، ۱۰۰). درواقع، این آیه شریفه این حقیقت را بیان می‌کند که معرفتی که مبتنی بر وحی باشد خطا و اشتباه در او راه ندارد: «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ» (یوسف: ۱۰۲).

کار وحی این است که یک حقیقت را خوب تبیین و تشریح می‌کند، زوایایی پنهان او را آشکار می‌کند و می‌شناساند، و بعد آثار و پی‌آمدها آن را ذکر و تأکید می‌کند که نظام تکوین مبتنی بر این است که هر چیزی شرط و شروط خاص خودش را دارد که باید حفظ شود. به‌عنوان مثال، شما وقتی می‌خواهید متقی باشید وحی می‌فرماید: دیگر نمی‌توانید با ظلم و ستم به آن برسید؛ چون راه رسیدن به تقوی تکویناً با ظلم هم‌خوانی ندارد. هم‌چنین، حقایق معارفی از قبیل کفر، نفاق، ایمان، و ... را آشکار می‌کند که دانش بشری توان ورود به آن‌ها را ندارد. درواقع، وحی عهده‌دار تبیین و تشریح همه جزئیاتی است که عقل توان فهم و درک آن را ندارد (اسراء: ۸۵؛ لقمان: ۳۴).

بخشی از این جزئیات به چگونگی ارتباط انسان با خداوند و اعمال عبادی وی اختصاص دارد؛ مانند احکام نماز، روزه، حج، و نظایر آن، و بخشی دیگر امور مربوط به ارتباط انسان با خود و دیگر موجودات (عالم خارج) است؛ مانند حدود و دیات، آداب معاشرت، معاملات، جهاد، حکومت، سنت صنعت، فناوری و ابتکار، مدیریت، و بسیاری از احکام دیگر که بیش‌تر به شئون دنیوی آدمی پیوند دارد (جوادی آملی ۱۳۸۸ الف: ۱۳۰). بنابراین، برای فهم و درک این مسائل چاره‌ای جز تمسک به دامن وحی نیست. وحی، با آن‌همه کارکردهای فراوانی که برای بشر در حوزه معرفت و معرفت‌افزایی و جهل‌زدایی دارد، از سوی اندیشمندان و صاحب‌نظران مدیریت اقتضایی نادیده گرفته شده است و حال آن‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينٌ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۷۲).

برابر نص صریح این آیه شریفه، وحی انسان را به ذخایر نهفته‌اش آگاه می‌کند و راه نیل به اهداف والا و کمال مطلق و نهایی را، که همان رضوان الهی باشد، نائل ساخته و او را به پایه برتر از عقل و دستاوردهای عقلانی و مرتبه بالاتر از مقام فرشتگان می‌رساند (نجم: ۸-۹)؛ چون انبیا از دانستنی‌های غیبی و ملکوتی و اخروی، که دست عقل از آن کوتاه است، خبر می‌دهند و این مهم، با این‌همه کارکرد در مدیریت رایج و به‌خصوص مدیریت اقتضایی، هیچ جایگاهی ندارد.

۵,۵ نقد قرآنی اعتبار

نظریه‌های اقتضایی بر پایه حدس و گمان و احتمال بنا نهاده شده‌اند و فراتر از تجربه حسی نرفته‌اند، بنابراین نمی‌توانند از اعتبار محکم و متقن برخوردار باشند، زیرا فرضیه‌های غیریقینی دانش تجربی پیامی جز احتمال ندارند. لذا مشاهده می‌شود عواملی که ذکر می‌کنند در حد اقتضاست نه علت تام (جوادی آملی ۱۳۸۹: ج ۲، ۶۲۷).

از این رو، قرآن کریم کسانی را که منفصل از وحی و صرفاً با تکیه بر راه‌آوردهای عقل حرکت می‌کنند مخاطب قرار می‌دهد می‌فرماید: «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (مؤمنون: ۵۳)، هر کس یافته‌ها و بافته‌های خود را دوست دارد و براساس آن زندگی می‌کند و در آیه دیگر تذکر می‌دهد به این‌که دانشی که در اختیار بشر قرار داده شده ناقص است و به‌تنهایی نمی‌تواند سعادت دنیوی و اخروی‌اش را تأمین کند: «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵).

بر پایه نص صریح آیه شریفه فهمیده می‌شود که علم و آگاهی و دانسته‌های بشر در برابر آن‌چه که نمی‌داند بسیار اندک بوده و به‌تعبیری معلوماتش در برابر مجهولاتش به‌سان قطره‌ای است در برابر اقیانوس بی‌کران. بنابراین، تنها دانشی که برایش نمی‌توان حد و حصر تعیین کرد و بلکه باید او را بی‌نهایت دانست علم خدای سبحان است (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۶، ۶۷۶). از این رو، اکثر پدیده‌ها و حقایق و وقایع عوالم خلقت و حتی عالم طبیعت برای انسان مجهول و نامتعارف است و معرفت آن نیاز به اتصال به منبع غنی، چون وحی، دارد. لذا، براساس آیه شریفه انسان با دانش محدودی که دارد با انقطاع از گزاره‌های وحیانی قرآن

کریم نمی‌تواند در شرایط پویای محیطی و عرصه‌های پرمخاطره رقابت، تضاد، و تزاحم موجود در سازمان‌ها با موفقیت عبور کند، بلکه نیاز حتمی و قطعی به گزاره‌های وحیانی دارد.

جدول ۳. معرفت‌شناسی قرآنی

معرفت‌شناسی قرآنی		
ردیف	عنوان	یافته‌ها
۱.	ماهیت	از لحاظ ماهیت، معرفت صرفاً مادی و حسی پدیده‌ها را که حاصل تلاش‌های دانش اثبات‌گرایی بوده و ماهیت عینی‌گرایانه دارد، محدود و ناقص معرفی کرده و کافی نمی‌داند.
۲.	موضوع	موضوع معرفت قرآنی خدا، انسان، محیط، پدیده‌ها و عوامل محیطی است.
۳.	ابزار	ابزار قرآن کریم شبکه‌ای بوده، نگاه افقی به رابطه پدیده‌ها باهم و نگاه عمودی رابطه آن‌ها با خالقشان را منظر قرار داده، ماهیت واقع‌نمایانه دارد.
۴.	منبع	منابع معرفت قرآن کریم گذشته از طبیعت و پدیده‌های عینی، عینیت‌های بیرونی و قابل‌مشاهده، عقل، تاریخ و وحی هست.
۵.	اعتبار	از لحاظ اعتبار معرفت نسبت به مکتب سیستمی از اعتبار عالی، ارزشمند و مطلوب و نامحدود برخوردار است.

۶. نتیجه‌گیری

معرفت در مدیریت اقتضایی مبتنی بر معرفت عینی و حسی بوده و علل و عوامل فوق طبیعی در تبیین گزاره‌های طبیعی را نادیده گرفته و به مطالعه پدیده‌های عینی (انسان محقق، سازمان، و محیط) می‌پردازد.

موضوع معرفت این مکتب محیط است، زیرا مدعی است محیط نقش حیاتی در بقا و ادامه حیات سازمان دارد، چون داده‌ها و ستاده‌های سازمان از محیط تأمین می‌شود و ابزار معرفت آن هم به صورت شبکه‌ای و سیستمی است. در این نگرش، باور بر این است که عوامل متعدد در کارآیی و اثربخشی سازمان تأثیر دارد، ولی منبع معرفت عقل، حس، و یافته‌های تجربی و پدیده‌های عینی و واقعی عالم خارج است.

هم‌چنین، روشن شد که اعتبار معرفت در این ره‌یافت بیش از مکاتب پیشین بوده و از این جهت از جامعیت نسبی برخوردار است. اما با وجود این روشن شد که معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی از منظر آموزه‌های وحیانی دارای خلأها و نقدهای جدی است، زیرا بنیان

این مکتب بر تحصیل‌گرایی استوار است و شکل‌دهنده موضوع آن فقط محیط و پدیده‌های مادی است، درحالی‌که از منظر قرآن موضوع معرفت خدا، انسان، طبیعت، و درک چگونگی وابستگی و پیوستگی آنهاست.

یافته‌های قرآنی حاکی از آن است که انسان و محیط به‌شکل پیدا و پنهان از هم‌دیگر تأثیر گرفته و در یک‌دیگر اثر می‌گذارند و راز موفقیت و سبب آبادانی و رسیدن به رفاه و پیشرفت واقعی در ابعاد مختلف زندگی را بایست در این امر واری و پی‌جویی کرد. در منطق وحی، ضمن توجه و تأکید بر اهمیت معرفت، تصریح و تأکید بر این است که هستی فراتر از دامنه پدیده‌های عینی و مادی است.

در حوزه هدف نیز تأکید بر این است که بایست سهم خود را به‌شکل مطلوب از عمر و مال و امکانات دنیا مبتنی بر تعهد، تقوا، و تحصیل آخرت گرفت. نگرش اقتضایی ابزارهای معرفت را به امور مادی منحصر دانسته و سخنی درباره رابطه پدیده‌ها با خالق مطرح نکرده است، درحالی‌که در منطق قرآن شبکه‌ای از طریق ترکیب نگاه افقی به رابطه پدیده‌ها با هم و نگاه عمودی و طولی و رابطه آنها با خالقشان در کانون توجه و تمرکز قرار دارد.

هم‌چنین، مدیریت اقتضایی منابع معرفت را منحصر به امور عینی، تجربه بشری، و عقل منقطع از وحی می‌داند، ولی در آموزه‌های قرآنی علاوه بر عقل، یافته‌های تجربی، طبیعت، تاریخ، و مهم‌تر از همه گزاره‌های آسمانی به‌عنوان متقن‌ترین منبع معرفت مطرح شده‌اند.

برایند نهایی این‌که قرآن، برخلاف ره‌یافت اقتضایی، در حوزه معرفت‌شناسی رویکرد اومانستی به هستی را نپذیرفته و، ضمن نقد جدی به موضوع، ابزار، منابع، و اعتبار مبتنی بر این نوع معرفت قائل به این است که معرفت تام نیازمند گزاره‌های وحیانی است.

جدول ۴. اشتراکات و افتراقات معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی با قرآن

اشتراکات و افتراقات معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی با قرآن کریم	
اشتراکات	افتراقات
موضوع: (محیط و عوامل محیطی)	خدا، انسان، محیط و ارتباط بین آنها
ابزار: (شبکه‌ای به صورت عینی و حسی)	حسی و عینی و فرامادی (شهودی)
منابع: عقل، یافته‌های تجربی، پدیده‌های عینی و واقعی	تاریخ و گزاره‌های وحیانی
اعتبار: (معتبر نسبت به مکاتب پیشین و محدود)	نامحدود و معتبر به خاطر اتصال به وحی واقع‌نمایی آن

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- اسکات، ریچارد (۱۳۸۷)، *سازمان‌ها: سیستم‌های عقلایی، طبیعی، و باز*، ترجمه حسن میرزایی اهرنجانی، تهران: سمت.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۶۸)، «نقدی بر منطق عقلی جدید و آثار آن بر نظریه‌های سازمان»، *مجله دانش مدیریت*، ش ۶ و ۷.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۵)، *مدیریت عمومی*، تهران: نی.
- امین، نصرت بیگم (بی تا)، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، بی تا: بی جا.
- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی و پرویز ساسان‌گهر (۱۳۹۰)، *سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل*، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانک‌داری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- بوریل، گیسون و گارت مورگان (۱۳۸۳)، *نظریه‌های کلان جامعه معرفتی و تجزیه و تحلیل سازمان*، ترجمه محمد تقی نوروزی، قم: سمت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ الف)، *معرفت‌شناسی در قرآن*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ ب)، *وحی و نبوت در قرآن*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ الف)، *زن در آینه جلال و جمال*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ ب)، *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، *تسنیم*، چاپ دوم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، *جامعه در قرآن*، قم: اسراء.
- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران: لطفی.
- حقیقی، محمد علی (۱۳۹۲)، *تئوری‌های مدیریت*، تهران: مهربان‌نشر.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۰)، *کلام جدید*، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

- رضائیان، علی (۱۳۷۶)، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران: سمت.
- رضائیان، علی (۱۳۹۲)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت.
- سیدجوادین، سیدرضا (۱۳۹۰)، نظریه‌های مدیریت و سازمان، تهران: نگاه دانش.
- صادق‌پور، ابوالفضل (۱۳۸۵)، اصول و مبانی سازمان و مدیریت، تهران: مؤسسه فرهنگ و اندیشه.
- صادق‌تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: فرهنگ اسلامی.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۸۳)، شرح اصول کافی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۱۲)، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین‌بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- علی‌زاده، عبدالرضا (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی معرفت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- غزالی، ابوحامد محمد (بی‌تا)، احیاء علوم الدین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد (۱۴۰۹)، العین، قم: هجرت.
- فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- فیومی، احمدبن محمد (۱۴۱۴)، مصباح المنیر، قم: دار الهجره.
- قاسمی، بهروز (۱۳۹۰)، مدیریت رفتار سازمانی، تهران: سپاهان.
- قطب، سید (۱۴۱۲)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- کریتتر، رابرت و آنجلو کینیکی (۱۳۹۰)، مدیریت رفتار سازمانی (مفاهیم، نظریه‌ها، و کاربردها)، ترجمه علی‌اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده، تهران: برابند پویش.
- گائینی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، درس‌نامه مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- لرر، کیث (۱۳۹۶)، نظریه معرفت، ترجمه مهدی عبدالهی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مارتین، رابرت (۱۳۹۴)، معرفت‌شناسی، ترجمه نسترن ظهیری، تهران: ققنوس.

- مراغی، احمدبن مصطفی (بی‌تا)، *تفسیر المراغی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵)، *معارف قرآن، خدانشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن (۱۳۳۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، *مسئله معرفت*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، *جامعه و تاریخ*، تهران: صدرا.
- معلمی، حسن (۱۳۸۸)، *معرفت‌شناسی در فلسفه غرب*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- موزر، پل (۱۳۸۵)، *درآمدی موضوعی بر معرفت‌شناسی معاصر*، ترجمه رحمت‌الله رضایی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- میرزایی اهرنجانی، حسن و محمدعلی سرلک (۱۳۸۴)، «نگاهی به معرفت‌شناسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب، و کاربردهای مدیریتی»، *پیک نور*، س ۳، ش ۳.
- نوریس، کریستوفر (۱۳۸۹)، *معرفت‌شناسی: مفاهیم کلیدی در فلسفه*، ترجمه ناصرالدین علی تقویان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نیکوآقبال، علی‌اکبر (۱۳۷۸)، «نظریه اقتضا: تأثیر متغیرهای نوعی موقعیت در ساختار سازمانی»، *مدیریت دولتی*، ش ۴۵ و ۴۶.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران (۱۳۸۷)، *تفسیر راه‌نما*، قم: بوستان کتاب.
- هچ، مری جو (۱۳۸۹)، *نظریه سازمان (مدرن، نمادین - تفسیری، پست‌مدرن)*، ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران: مهربان نشر.